

تقدیم به روح پدر بزرگوارم که الگوی بی‌بدیل
اخلاق بود.



مقدمه

«بگذر ز سر عقل و قدم نه به ره عشق

کس را وقوف نیست که انجام کار چیست»

پروردگارا! از اینکه در آغوش لطف‌های بی‌پایانت جایم می‌دهی و آنگاه که از دیو و دد ملول می‌شوم، فرشته‌های صبر و امیدت به دو دست عشق نگاهم می‌دارند، تا همیشه به خود می‌بالم و سر بر آستانت می‌سایم. سایه لطف و دوستی این همراهان بهتر از جان‌راهیچ‌گاه از سرم کم‌مکن: احمد اختیاری، مدیر بااخلاق و خستگی‌ناپذیر مهر و ماه، استادان گرانقدرم: مجید دلیری، باهر بحیرایی، حمیدرضا تاجیک، فرحناز حسینی، طاهره سادات مرادی حسین‌زاده، اسماعیل مؤید ناصری، سعید ایرانزاد و البته اسماعیل محمدزاده و سعید عنبرستانی دو دوست دیرین. خانم‌ها معصومه سلیمی (مسئول پروژه)، مریم تاجداری (مدیر توانای گروه تولید) و همه همکارانشون. زهرا خوشنود و سمیه حیدری که در ویرایش و چاپ‌های قبلی، سنگ تمام گذاشتند. ویراستاران: آیتا ملالی، نگار عزیزی، فائزه علی‌میری، حدیث قاسمی و یگانه هراتی.

شهریار قبادی

فهرست

بخش ۳ فارسی دوازدهم

۲۰۲	ستایش
۲۰۴	فصل ۱: ادبیات تعلیمی
۲۲۰	فصل ۲: ادبیات پایداری
۲۳۰	فصل ۳: ادبیات غنایی
۲۴۰	فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی
۲۵۸	فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی
۲۶۷	فصل ۶: ادبیات حماسی
۲۸۴	فصل ۷: ادبیات داستانی
۳۱۱	فصل ۸: ادبیات جهان
۳۱۷	نیایش

بخش ۴ گنج‌نامه

۳۲۲	گنج ۱: عبارتهای قرآنی و عربی
۳۲۷	گنج ۲: دسته‌بندی واژه‌ها
۳۳۲	گنج ۳: ۱۰۰ واژه ناچور
۳۳۵	گنج ۴: شباهت‌ها (این شبیه‌اوان)
۳۳۷	گنج ۵: واژه‌های مترادف
۳۵۰	گنج ۶: تاریخ ادبیات جامع
۳۵۷	گنج ۷: اصول طلایی املا
۳۵۹	گنج ۸: واژه‌های هم‌آوا و مشابه
۳۶۴	گنج ۹: جمع‌های مکسر
	گنج ۱۰:
۳۶۵	این ابیات / عبارات از کیست؟
۳۷۶	فهرست الفبایی واژگان

بخش ۱ فارسی دهم

۱۲	ستایش
۱۴	فصل ۱: ادبیات تعلیمی
۲۴	فصل ۲: ادبیات پایداری
۳۱	فصل ۳: ادبیات غنایی
۳۸	فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی
۵۰	فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی
۶۱	فصل ۶: ادبیات حماسی
۷۳	فصل ۷: ادبیات داستانی
۸۹	فصل ۸: ادبیات جهان
۹۶	نیایش

بخش ۲ فارسی یازدهم

۱۰۰	ستایش
۱۰۱	فصل ۱: ادبیات تعلیمی
۱۱۸	فصل ۲: ادبیات پایداری
۱۳۰	فصل ۳: ادبیات غنایی
۱۴۰	فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی
۱۵۳	فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی
۱۶۱	فصل ۶: ادبیات حماسی
۱۷۷	فصل ۷: ادبیات داستانی
۱۹۵	فصل ۸: ادبیات جهان
۱۹۹	نیایش

تحلیل واژه‌ها و تیپ‌بندی تست‌ها

الف

طبقه‌بندی واژه‌ها از دیدگاه طراحان

برای اولین بار در این جدول، واژه‌های کتب درسی را به صورت تخصصی و از دیدگاه طراحان آزمون‌های سراسری تفکیک و طبقه‌بندی کرده‌ایم تا بر این مطلب مهم تأکید کنیم که باید با همین دیدگاه واژه‌ها را مطالعه کنید.

به یاد داشته باشید معمولاً تست‌های دشوار از سه بخش مترادف‌ها، واژه‌های ناجور و چندمعنایی‌ها طرح می‌شوند.

	واژه	تعداد	مثال
۱	کل واژه‌ها	۴۰۰۰	انتهای کتب درسی + واژه‌های متن به انتخاب مؤلف
۲	معانی کنایی	۳۰۰	روی پیچیدن: خودداری از کاری
۳	معانی مجازی	۱۰۰	کام: سقف دهان (مجازاً: دهان، قصد...)
۴	واژه‌های انتهایی کتب درسی	۱۱۶۰	ریحان: هر گیاه سبز و خوشبو
۵	معانی ناجور	۱۵۰	اختلاف: رفت و آمد
۶	چندمعنایی	۱۰۰	سهام: ۱. ترس ۲. تیرجنگی ۳. بهره
۷	مترادف‌ها	۲۰۰	جنت: رضوان، فردوس، ارم، پردیس، جنان

• در این کتاب واژه‌های انتهایی کتب‌های درسی را با (*) مشخص کرده‌ایم.



چند مثال برای «دام‌های معنی» در کنکور

ب

معنی اصلی	معنی نادرست (ارائه شده در کنکور)	واژه	تَفْصِيْل
کوتاهی کردن، کوتاهی، گناه	کوتاه	تقصیر	۱
همانندها، جمع «شبه»	سایه‌ها	اشباه	۲
طلب رحم کردن	رحم کردن به کسی	استرحام	۳
وسیله ای کمانی شکل در زورخانه از جنس آهن که...	کمانی از جنس چوب که در دو طرف آن ...	کباده	۴
ستودن، نوشتن یادداشتی ستایش‌آمیز درباره کتاب	فهرست کتاب	تقریظ	۵
جامه بلند که زاهدان و شیوخ پوشند، جبه	جامه دوخته که بزرگی به کسی بخشد.	دُرَاعَه	۶
زیرکی	زیرک	دها	۷
شکارگاه (اسم مکان عربی)	شکاری	متصید	۸
انگشت (مفرد است)	انگشتان	بنان	۹
دوران‌ها، عصرها	دوران	اعصار	۱۰
ابر	باران	سحاب	۱۱

نتیجه‌گیری ← توجه ویژه به:

- ۱ واژه‌های هم‌آوا (اشباه ← اشباح)
- ۲ معانی واژه‌های عربی (استرحام: باب استفعال به معنی طلب کردن ...)
- ۳ ثبت کامل و دقیق معانی تعریفی و طولانی (کباده: وسیله‌ای کمانی...)
- ۴ شکل مفرد و جمع واژه‌ها (بنان: انگشت، اعصار: دوران‌ها ...)

فارسی دهم

فصل ۱

ادبیات تعلیمی

واژگان درس ۱

چشمه

(نیما یوشیج «علی اسفندیاری»)

شور و غوغاکنان (در حال غل غل زدن)	غُلغله‌زن*
خودنما، جلوه‌گر کنایه	چهره‌نما
تندرو، تیزرو کنایه	تیزپا*
◀ گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غُلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا	
بیرون زدن، بالا آوردن (کف به دهان برزدن کنایه از «خشمگین شدن»)	بَر زدن
میدان جنگ، جای نبرد معنی دیگر شگفت‌انگیز، عالی	معرکه*
بی‌همتا، بی‌نظیر مترادف طاق (رخش آن طاق عزیز)	یکتا
بزرگ و عزیز کنایه	تاج سر
بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ	گلبن*
◀ گفت: درین معرکه، یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا، منم	
شانه، کتف معنی دیگر دیشب	دوش
پیچ و خم زلف معنی دیگر شکننده، شکست	شکن*
نمایان کردن چهره، صاف و زلال شدن کنایه	شکن از سر موی گشادن
◀ چون بگشایم ز سر مو شکن ماه بیند رخ خود را به من	

برآمدن، سر زدن، رویدن معنی دیگر باد کردن در چیزی	دَمیدن
سنگ گران بها معنی دیگر اصل و نژاد استعاره گل	گُهر
درخشان، دارای پرتو مترادف مُشعشع	تابناک
کنار، پهلو معنی دیگر آغوش، خشکی	بَر
شرمندگی، خجالت	خجلی
یقه مترادف جیب (سر به گریبان فروردن: خموشی گزیدن، کنار کشیدن کنایه)	گریبان

◀ در **بر** من ره چو به پایان برد از **خجلی** سر به گریبان برد

حمل کننده (در این درس: صاحب)	حامل
زیور و زینت مترادف حلیه، حلیت (اسم از مصدر پیراستن)	پیرایه*
لیاقت، شایستگی مصدر برازیدن	برازندگی*
روشنایی، فروغ	پرتو
ته، قعر معنی دیگر بنیاد	بُن
به رنگ نیلوفر، لاجوردی، صفت نسبی منسوب به نیلوفر (پرده نیلوفری: آسمان لاجوردی/ پرده: حجاب)	نیلوفری*
برابری معنی دیگر زناشویی، ازدواج	همسری

◀ در **بُن** این پرده **نیلوفری** کیست کند با چو منی **همسری**؟

روش، طریقه مترادف سیاق، أسلوب (زین نمط: به این ترتیب)	نَمَط*
از خود بی خود شده کنایه	مست شده
دریا شکل جمع بحار، بحور (بحر خروشنده: دریای متلاطم)	بحر
سهمگین، ترسناک، مهیب مترادف مخوف (سهم: ترس)	سهمگن
بی همتا، شگفت آور معنی دیگر نادر و کمیاب	نادره*
متلاطم	جوشنده

◀ دید یکی **بحر** خروشنده‌ای **سهمگنی**، **نادره** جوشنده‌ای



گروه‌های املايي فصل ۱



- **فَضْل** و رحمت: هم‌معنی هستند. ◀ فضول (رحمت‌ها)، فاضل
- **نَظَر** کردن: توجه کردن **مشابه** نذر کردن (عهد کردن)
- **رَازِق** و خَلَّاق: روزی‌دهنده و آفریننده ◀ رازق، مرزوق، ارتزاق
- ادبیات **تعلیمی**: ادبیات آموزشی ◀ تعلّم، علیم
- **قالب** شعر: شکل و فرم شعر **هم‌آوا** غالب (چیره)
- **غَلْغَلَه** زن: شور و غوغاکنان ◀ غل غل زدن
- **حامل** سرمایه: صاحب سرمایه ◀ محموله، حمال
- **نَمَط** و روش: هم‌معنی هستند. ◀ نمذ (نوعی فرش)
- **دوری** از مبدأ: دوری از محل آغاز **مشابه** مُبدع (ابداع‌کننده)
- **بَحْر** خروشنده: دریای خروشان ◀ بحار، بحور (دریاها)
- **زَهْرَه** داشتن: جرأت داشتن ◀ زهره در
- **ورطه** و مهلکه: گرداب ◀ هلاک
- **حازم** و محتاط: هم‌معنی هستند **هم‌آوا** هاضم (هضم‌کننده)
- **احوال** و افعال: حال‌ها و کارها **هم‌آوا** احوال (ترس‌ها)
- **حزم** و احتیاط: هم‌معنی هستند ◀ **هم‌آوا** هضم (گوارش)
- از داور **مستغنی**: از قاضی بی‌نیاز ◀ استغنا، غنی
- **مُحال** و غیرممکن: هم‌معنی هستند ◀ محالات
- **حق** و **باطل**: متضاد هستند. ◀ ابطال، مُبطل (باطل‌کننده)
- **ضایع** کردن: تباه کردن ◀ تضييع
- **قرباب** خویش: خویشاوندی خود ◀ قریب، اقربا **هم‌آوا** غرابت (شگفتی)
- **مُولع** و حریص: هم‌معنی هستند. ◀ وَّلَع (حرص)
- **محو** دشمن: از بین بردن دشمن ◀ امحا (از بین بردن)
- **لب حوض**: کنار آبخوری ◀ حوضه (زمین‌هایی که از یک رود مشروب می‌شوند).
- **تَلّی** از آجر: تپه‌ای از آجر ◀ اَتلال (تل‌ها)

- قاش خربزه: تگه‌ای برش خورده از خربزه
- غصه و قصه: غم و داستان ◀ قصص (قصه‌ها)
- بغض و کینه: ناراحتی و تنفر
- حرص و طمع: هم‌معنی هستند ◀ حریص / طمّاع
- جرئت و جسارت: هم‌معنی هستند.
- هق‌هق گریه: صدای گریه ◀ مشابه حق (حقیقت)

تاریخ ادبیات فصل ۱

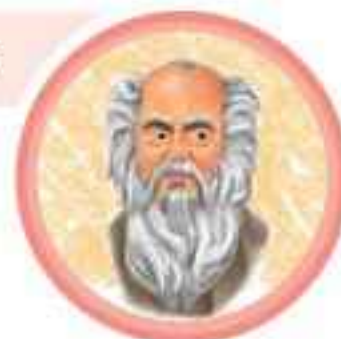
نیما یوشیج
(علی اسفندیاری)

چشمه (نظم)
فصل ۱ / درس ۱



عطار نیشابوری

الهی‌نامه (نظم)
ستایش



عنصر المعالی
کیکاوس

قابوس‌نامه (نثر)
(از آموختن ننگ مدار)
فصل ۱ / درس ۲



نصرالله منشی (ترجمه)

کلیله و دمنه
(نثر)
فصل ۱ / درس ۱



جمال میرصادقی

دیوار
(نثر)
فصل ۱ / درس ۲



فارسی یازدهم



فصل ۱

ادبیات تعلیمی

واژگان درس ۱

بوستان (سعدی)

نیکی

روبه	کوتاه شده روباه
فروماندن*	متحیر شدن (فرومانده: متحیر، درمانده، ناتوان)
صنع	آفریدن، ساختن معنی دیگر نیکویی کردن
◀ یکی روبهی دید بی دست و پای فروماند در لطف و صنع خدای	
چون	چگونه، چطور (قید پرسش)
درویش	فقیر، تهی دست معنی دیگر صوفی، عارف
شوریده رنگ*	آشفته حال (کسی که در اثر آشفتگی حالش، رنگ چهره اش تغییر می کند.) کنایه
بر آمدن	ظاهر شدن، نمایان گردیدن
شغال*	جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشت خواران است.
◀ در این بود درویش شوریده رنگ که شیری بر آمد، شغالی به چنگ	
نگون بخت	بدبخت، سیاه بخت (نگون: خم شده، واژگون)
روزی رسان	روزی رساننده (خداوند)
قوت*	رزق روزانه، خوراک، غذا (بر وزن «توت»)
یقین	باور و ایمان قلبی، اطمینان به چیزی



چشم معنی دیگر دیده شده / دیده است... (جزء واژه‌های «ایهامی» محسوب می‌شود.)	دیده
رفتن، مُردن معنی دیگر فعل مسندپذیر	شدن
اعتماد کردن، اتکا کردن	تکیه کردن
◀ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد	
فیل‌ها	پیلان
چانه (به صورت «زنخ» هم می‌آید.)	زَنخدان*
گریبان، یقه	جیب*
کوشش نکردن کنایه	زنخدان در جیب فرو بردن
پنهان، نهان از چشم، عالمی که خداوند، فرشتگان و... در آن قرار دارند.	غیب*
◀ زَنخدان فرو برد چندی به جیب که بخشنده، روزی فرستد ز غیب	
غم، فکر، غم‌خواری معنی دیگر پرستاری	تیمار
نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. معنی دیگر پنجه دست (جزء واژه‌های ایهامی است)	چنگ*
◀ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست	
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست	
حال، توان، جان معنی دیگر آگاهی، عقل، زیرکی / مرگ	هوش
جای ایستادن پیش‌نماز در مسجد معنی دیگر بالای خانه، صدر مجلس	محراب
◀ چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش	
ناراست، حيله‌گر	دَغَل*
دست و پای از کار افتاده	شَل*
◀ برو شیر درنده باش، ای دَغَل مَینداز خود را چو روباه شَل	
پس مانده معنی دیگر درمانده، خسته	وامانده
◀ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟	

فارسی دوازدهم





واژگان

درس ۲

مست و هُشیار

دیوان اشعار (پروین اعتصامی)

مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.

یقه (گریبان گرفتن: گلاویز شدن با کسی **کنایه**)

تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و... می‌بندند. (پیراهن نشانهٔ انسان بودن و «افسار» نشانهٔ حیوان بودن است.)

مُحتسب*

گریبان

افسار*

◀ **مُحتسب مستی به ره دید و گریبان‌ش گرفت**

مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است **افسار** نیست»

حالت راه رفتن کسی که مست است، تلو تلو خوردن

نابسامانی‌های اجتماعی **کنایه**

مقابل خواب، کسی که هشیار است **ایهام**

افتان و خیزان

هموار نبودن راه

بیدار

◀ **گفت: رو، صبح آی قاضی نیمه شب **بیدار** نیست**

خانه

سرا

حاکم، فرمانروا (والی را سرای: سرای والی)

والی*

می‌فروش (خمر: شراب، خُمَره: ظرف شراب)

خَمّار*

◀ **گفت: «نزدیک است **والی** را **سرای**، آن‌جا شویم»**

گفت: «والی از کجا در خانه **خَمّار** نیست؟»

پاسبان و نگهبان، شب‌گرد

داروغه*

واحد پول، سکه طلا که در گذشته رواج داشته است.

در متن درس، مطلق پول است؛ وزن و ارزش دینار در

دوره‌ها و مناطق مختلف، متفاوت بوده است. **مجازاً** رشوه

دینار*

آزادکن (فعل پیشوندی: «وا+رهان»)

وارهان

دین و آئین، کیش، مذهب

شرع

درم، مسکوک نقره، که در گذشته، به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است؛ در متن درس، مطلق پول مورد نظر است.

درهم*

گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»

گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»

تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن

غرامت*

نخ نما فرسوده بودن **کنایه**

نقشی ز پود و تار نیست

بی آبرویی، بی تعادلی **کنایه** **معنی دیگر** حیرت کردن

افتادن کلاه از سر

عیب و ننگ، رسوایی **مترادف** **فضیحت**

عار

گفت: «آگه نیستی **کز سر در افتادت کلاه**»

گفت: «در سر عقل باید، بی کلاهی **عار** نیست»

مست شدن **کنایه**

بیخود شدن

کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم **معنی دیگر**
اندازه؛ مقدار

حد*

آگاه، در این جا کسی که مست نیست و دچار مشکل نیست.

هشیار

سرزنش، زخم زبان **مترادف** **شماتت**

ملامت

پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد.

زاهد*

ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری

اکراه*

گفت: **زاهد** ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست

در حق ما هر چه گوید جای هیچ **اکراه** نیست

سرزمین، کشور، مملکت (دار ملک: دارالملک، پایتخت)

ملک*

دوستی، عشق (دار ملک آشنایی: سرزمین عشق)

آشنایی

پیشه، کار، حرفه

صنعت*

کوتاه شده «اندوه»، غم و ناراحتی

انده

جان فشانی کردن، جان دادن **کنایه**

جان فروشی

تحمل کردن غم و اندوه **کنایه**

انده خریدن و
جان فروشی

گنج‌نامه

- گنج اول:** عبارتهای قرآنی و عربی
- گنج دوم:** دسته‌بندی واژه‌ها
- گنج سوم:** ۱۰۰ واژه ناچور
- گنج چهارم:** شباهت‌ها (این شبیه اون)
- گنج پنجم:** واژه‌های مترادف
- گنج ششم:** تاریخ ادبیات جامع
- گنج هفتم:** اصول طلایی املا
- گنج هشتم:** واژه‌های هم‌آوا و مشابه
- گنج نهم:** جمع‌های مکسر
- گنج دهم:** فهرست الفبایی واژگان، بیت‌ها و عبارتهای آزاد



عبارت‌های قرآنی و عربی

فارسى ۱



(درس ۲)

حاسبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا

◀ به حساب خود رسیدگی کنید قبل از این که شما را حسابرسی کنند.

(درس ۳)

شَرَفُ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ

◀ ارزش هر جای و جایگاهی به کسی است که در آن قرار گرفته است.

(درس ۳)

و بَدَلْ مَهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.

◀ او، حسین (ع)، خونش را در راه تو داد تا بندگانت را از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد.

(درس ۵)

الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ

◀ روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو

(درس ۵)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

◀ هر نفسی، چشنده مرگ است.

(درس ۶)

وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

◀ هر کس به خدا توکل کند، خداوند او را بس است.

(درس ۷)

وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

◀ مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

شباهت‌ها (این شبیه اون)

• تمکن: ثروت	• زبان کشیدن: سخن گفتن
• تمکین: پذیرفتن	• زبان در کشیدن: سخن نگفتن
• شاب: جوان	• دینار: سکه طلا
• شیب: پیری	• درهم: سکه نقره
• هلال: ماه شب اول	• برزخ: فاصله میان دو چیز
• بدر: ماه کامل	• دوزخ: جهنم
• ملامت: سرزنش	• خار: تیغ
• ملالت: آزرده‌گی	• خار: سنگ سخت
• همت: اراده	• شفق: سرخی غروب
• حمیت: جوانمردی	• فلق: سرخی آفتاب صبح
• نسیان: فراموشی	• غنا: آواز خوش
• نیسان: ماه رومی	• غنا: توانگری
• خیره خیر: بیهوده	• کران: کنار
• خیر خیر: سریع	• کران: نام روستا
• کهر: اسب به رنگ سرخ	• سما: آسمان
• گُرنند: اسب میان زرد و بور	• سماع: شنیدن
• مطیع: فرمانبر	• اهمال: کوتاهی
• مطاع: فرمانروا	• امهال: مهلت دادن
• عنان: افسار	• بنان: انگشت
• سنان: سرنیزه	• بنات: دختران

واژه‌های مترادف

معنی	مترادف	واژه
میان	خِلال	اِثنا
ستاره	نجم	اِختر
اجازه	تجويز	اِذن
هدیه	تحفه، رهاورد	ارمغان
عصبانی شدن	برآشفتن	از جای شدن
خواهش	تمنا	استدعا
پافشاری	اِلحاح، ابرام	اِصرار
عرب بیابان‌نشین	تازی	اعرابی
برتری داشتن	رجحان	افزون آمدن
تاج پادشاهی	دیهیم	افسر
نصیحت	موعظه، وعظ	اندرز
غم و اندوه	حزن	اندوه
عدل کردن	داد، عدالت	انصاف
بخشش، احسان	دهش، عطا، اعطا	انعام
وقت، آغاز	عنفوان	اوان



تاریخ ادبیات جامع فارسی (۱، ۲، ۳)

گنج
ششم

نشانی	نظم و نثر	خالق اثر	اثر
۱ ف	نثر	سهراب سپهری	اتاق آبی
۱ ف	نثر	حسین واعظ کاشفی	اخلاق محسنی
۱ ف	نثر	جلال آل احمد	ارزیابی شتابزده (پیرمرد چشم ما بود)
۳ ف	نثر	رضا امیرخانی	ارمیا
۳ ف	نظم	ابوالقاسم لاهوتی	ای میهن
۳ ف	نثر	باستانی پاریزی	از پاریز تا پاریس
۱ ف	نثر	محمدبن منور	اسرارالتوحید
۱ ف	نظم	عطار نیشابوری	الهی نامه
۲ ف	نظم	حمید سبزواری	بانگ جرس
۳ ف	نثر	محمد بهمن بیگی	بخارای من، ایل من
۲ ف	نثر	عبدالرحمان جامی	بهارستان
۲ ف	نظم	سعدی شیرازی	بوستان

اصول طلایی املا

۱ شکل صحیح املاي هر واژه را از طريق واژه‌های قبل و بعد، ریشه و یا متضاد آن می‌توان تشخیص داد. سفر / حضر (متضاد) هادی / هدی (ریشه)

۲ هر وقت بر سر فعلی که با همزه شروع می‌شود «ب، م، ن» بیاید، همزه به «ی» تبدیل می‌شود:

ب + انداخت ← بینداخت

• این نوع غلط‌ها با عنوان غلط **رسم الخطی** در کنکور آورده می‌شوند.

۳ در کنکور سراسری «تشدید» جزو غلط‌های املايي نیست و به حساب نمی‌آید.

۴ برای تشخیص نوع «گذار» و «گزار» بهتر است این گونه عمل کنید: «گزاردن» معمولاً به معنی انجام دادن، به جا آوردن، تعبیر کردن است. «گذاشتن» به معنی نصب کردن، وضع کردن و رها کردن است.

• همیشه باید ببینید که واژه مورد نظر به «گزاردن» تمایل دارد یا «گذاشتن»، آن‌گاه به راحتی می‌شود املاي واژه را تعیین کرد:

شکرگذار	◀	شکرگزاردن ✓	◀	شکرگذاشتن ✗
پایه‌گذار	◀	پایه‌گذاشتن ✓	◀	پایه‌گزاردن ✗
نمازگزار	◀	نمازگزاردن ✓	◀	نمازگذاشتن ✗
سرمایه‌گذار	◀	سرمایه‌گذاشتن ✓	◀	سرمایه‌گزاردن ✗

واژه‌های هم‌آوا و مشابه

آج	برجستگی روی لاستیک	آزار	اذیت
عاج	دندان فیل	آذار	ماه رومی
آجل	آینده، آتی	آذر	ماه نهم شمسی، آتش
عاجل	شتاب کننده (عجله)	آزر	عموی حضرت ابراهیم
اثاث	لوازم خانه	اثرات	نشانه‌ها (اثر)
اساس	بنیاد، پایه (مؤسس)	عثرات	خطاها و لغزش‌ها
اسیر	گرفتار	اشباح	سایه‌ها (شبح)
اثیر	کره آتش	اشباه	مانندها (شبه)
آلم	درد و رنج	الیم	دردناک
عَلَم	درفش، پرچم	علیم	دانا
آمل	آرزو (آمال)	ایار	ماه رومی
عمل	کار (اعمال)	عیار	معیار
إِبا	امتناع و خودداری	اصرار	پافشاری (مُصِر)
عَبا	نوعی جامه	أسرار	رازها (سرّ)
إِفا	لغو کردن (ملغی)	إِمارت	حکومت امیر (آمارات: نشانه‌ها)
إِقا	تلقین کردن، آموختن	عمارت	خانه، بنا (معمار)
انتساب	نسبت داشتن (منتسب)	بِالطَّبَع	از روی طبع و میل
انتصاب	نصب کردن، گماشتن	بِالتَّبَع	در نتیجه (تابع)
براعت	کمال فضل و ادب، برتری	بهار	فصل اول سال
برانت	بیزاری	بحار	دریاها (بحر)
بهر	بهره	پر تغال	نام کشوری است.



جمع‌های مکسر پر کاربرد

- | | | |
|------------------|-----------------|------------------|
| • قول ◀ اقوال | • شریف ◀ اشراف | • افق ◀ آفاق |
| • کافر ◀ کفار | • شریک ◀ شرکا | • بنا ◀ ابنیه |
| • کتاب ◀ کتب | • شعبه ◀ شعب | • بلد ◀ بلاد |
| • کوکب ◀ کواکب | • شیء ◀ اشیا | • تابع ◀ توابع |
| • لباس ◀ البسه | • صورت ◀ صور | • جاهل ◀ جهال |
| • لسان ◀ السنه | • ضعیف ◀ ضعفا | • جبل ◀ جبال |
| • لفظ ◀ الفاظ | • ضمیر ◀ ضمائر | • جد ◀ اجداد |
| • مدینه ◀ مدن | • طبیب ◀ اطبا | • جدول ◀ جداول |
| • مشهور ◀ مشاهیر | • طریق ◀ طرق | • جزیره ◀ جزایر |
| • مضمون ◀ مضامین | • طعام ◀ اطعمه | • جسم ◀ اجسام |
| • مزیقه ◀ مضایق | • عارف ◀ عرفا | • حاضر ◀ حضار |
| • مکتوب ◀ مکاتیب | • عبد ◀ عباد | • حاکم ◀ حکام |
| • مکتب ◀ مکاتب | • عنصر ◀ عناصر | • حکمت ◀ حکم |
| • منبر ◀ منابر | • علت ◀ علل | • حکیم ◀ حکما |
| • نبی ◀ انبیا | • غذا ◀ اغذیه | • درس ◀ دروس |
| • نجیب ◀ نجبا | • غنی ◀ اغنیا | • درهم ◀ دراهم |
| • نسخه ◀ نسخ | • فاضل ◀ فضلا | • دعا ◀ ادعیه |
| • نصیحت ◀ نصایح | • فن ◀ فنون | • رجل ◀ رجال |
| • نعمت ◀ نعم | • فضیلت ◀ فضایل | • رسول ◀ رسل |
| • نور ◀ انوار | • قافله ◀ قوافل | • سلسله ◀ سلاسل |
| • ولی ◀ اولیا | • قریب ◀ اقربا | • سلطان ◀ سلاطین |
| | • قلعه ◀ قلاع | • شاهد ◀ شهود |



این ابیات / عبارات از کیست؟

در کنکور ۹۹ با سؤالی غیرمنتظره مواجه شدیم و آن حذف تاریخ ادبیات و درخواست نام سراینده بیت سؤال بود! آن هم از قسمت‌هایی که ذهن به آن خطور نمی‌کرد! امسال هم در کنکور ۱۴۰۰ به همین خاطر تمام ابیات و عبارات موجود در کارگاه‌های متن‌پژوهی را با ذکر نام شاعر، در این قسمت برایتان جمع‌آوری کرده‌ایم.

فارسی ۱ درس یکم: چشمه

۱. پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار / تا نباشد در پس دیوار، گوش (سعدی)
۲. ما را سرِ باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی تفرّج آن جاست (سعدی)
۳. یکی قطره باران ز ابری چکید / خجل شد چو پهنای دریا بدید
۴. که جایی که دریاست من کیستم؟ / گر او هست حقا که من نیستم
۵. بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد (سعدی)

درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

۱. کتابی که در او داد سخن آرای توان داد. (سعدالدین وراوینی)
۲. عشق شوری در نهاد ما نهاد / جان ما در بوتۀ سودا نهاد (فخرالدین عراقی)
۳. «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند» (ابن‌حسام خوسفی)

درس سوم: پاسداری از حقیقت

۱. «بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد / حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی» (صائب)
۲. چو سرو از راستی بر زد علم را / ندید اندر جهان تاراج غم را (نظامی)
۳. هنگام سپیده‌دم خروس سحری / دانی ز چه روی همی کند نوحه‌گری
یعنی که نمودند در آیینۀ صبح / از عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری (خیام)